

نقش رفتار رسانه‌ای خواص در اغتشاشات ۱۴۰۱ با تأکید بر نظریه محرومیت نسبی

مهدی بیگدلو^{۱*}

صمد رفعت‌نژاد^۲

جواد مشهدی^۳

چکیده

جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی، همواره با حجمه‌های نظامی و تهدیدات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای از سوی دشمنان مواجه بوده است که باعث بروز بحران‌های اجتماعی، سیاسی و در نهایت بحران‌های امنیتی می‌شود. گاهی این حجمه‌ها در قالب اعتراضات و اجتماعات عمومی ظهور پیدا می‌کنند.

مقاله پیش‌رو با هدف بررسی تأثیر رفتار رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی؛ به‌ویژه اغتشاشات سال ۱۴۰۱، در چهارچوب نظریات محرومیت نسبی رابرت گر (۱۹۹۰) نگاشته شده است. جامعه آماری پژوهش ۴۰ نفر از متخصصان و کارشناسان رسانه و جامعه‌شناسی است. به‌منظور تجزیه و تحلیل شاخص‌های به‌دست آمده از مصاحبه، با استفاده از نرم‌افزار maxqda 2020 کدگذاری باز، انجام و تحلیل داده‌های مصاحبه با روش تحلیل محتوای استقرایی انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین شاخص‌های تأثیرگذار رفتار رسانه‌ای خواص در بحث محرومیت نزولی (داشته‌های گذشته) مقایسه جهت دار ایران امروزی با حکومت‌های گذشته و برجسته‌سازی نقاط ضعف نظام و سکوت در مواجهه با اخبار است. مهم‌ترین شاخص در ایجاد احساس محرومیت آرزویی (ابزار نیل به توقعات جدید)، القای ناکارآمدی نظام و القای ناامیدی در ایجاد احساس محرومیت پیش‌رونده (انتظارات استمرار بهبود) القای ناکارآمدی و بزرگ‌نمایی سرفصل‌های امنیتی، افزایش شدید انتظارات، عدم بصیرت‌افزایی و حمایت از اغتشاشگران است.

کلیدواژه‌ها: رفتار رسانه‌ای، خواص، بحران امنیتی، اغتشاشات ۱۴۰۱.

۱. استادیار جامعه‌شناسی سیاسی (نویسنده مسئول) mahdi.bigdeloo@yahoo.com

۲. استادیار سیاست‌گذاری عمومی samadrafatnejad@cc.ut.ir

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اطلاعات و حفاظت اطلاعات.

جستارگشایی

بحران‌های امنیتی از آن جهت که امنیت ملی را مورد هدف قرار می‌دهند، خطرناک‌ترین بحران برای نظام حکومتی یک کشور محسوب می‌گردند؛ به‌ویژه در عصر حاضر که ظهور پدیده‌های اجتماعی نوین یا تغییر شکل ابزارهای فرهنگی - اجتماعی سنتی بر تشدید یا تغییر شکل این بحران‌ها اثر گذاشته و ظرفیت مقابله با این بحران‌ها را تحت تأثیر قرار داده‌اند. یکی از ابزارهای فرهنگی - اجتماعی که از گذشته تاکنون تأثیر بسزایی در بحران‌آفرینی یا مدیریت بحران داشته‌اند رسانه‌ها بوده‌اند که در حال حاضر به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی مردم تبدیل شده‌اند و آن‌ها در طول شبانه‌روز از محتواهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، آموزشی رسانه‌ها استفاده می‌کنند. نسل کنونی، از ابتدای حیاتش با رسانه‌ها بزرگ می‌شود و در دنیای اطلاعاتی و ارتباطی امروز، بخش عظیم فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه خود و دیگر جوامع را از رسانه‌ها دریافت می‌کند و به این واسطه، رسانه را ملاک نگرش و رفتار ایشان است. برخی از نظریه‌پردازان ارتباطات معتقدند رسانه‌ها، اولویت ذهنی و حتی رفتاری انسان‌ها را تعیین می‌کنند و اگر چگونه فکرکردن را یاد ندهند، به چه چیزی فکر کنیم را به ما می‌آموزند (حسینی، ۱۳۹۲: ۵۸).

به‌واسطه تأثیرپذیری جامعه از رسانه‌ها؛ به‌ویژه رسانه‌های نوین، در حوادث و بحران‌های مختلف اجتماعی و سیاسی و در نهایت امنیتی، می‌توان آثار آن‌ها را مشاهده نمود تا جایی که نقش این رسانه‌ها در اغتشاشات سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۹۸ و... بسیار فراتر از پوشش خبری حوادث بوده و در تحریک و هدایت اغتشاشات ایفای نقش نموده‌اند. تاجایی که با عملکرد هماهنگ، یکپارچه و گسترده برخی پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی نشان دادند که این بستر ارتباطی و تعاملی می‌تواند پیشران اصلی ایجاد، هدایت و تداوم اغتشاشات باشد.

در میان کاربران رسانه‌های نوین نخبگان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که به تعبیر مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) خواص جامعه هستند، نسبت به دیگران تأثیر بیشتری بر جامعه کاربران دارند و هرگاه استعداد و توان تولید و بازتولید ارتباطات و مناسبات مبتنی بر اعتماد و مقبولیت خود را از دست می‌دهند و سامانه دچار ناکارآمدی می‌شود، بحران ایجاد می‌گردد (تاجیک، ۱۳۷۹: ۲۸). رفتار بحران‌آفرین خواص به‌واسطه توسعه روزافزون

اشکال و سطوح استفاده از رسانه‌های نوین از فتنه سال ۱۳۸۸ تا اغتشاشات ۱۴۰۱ با آثار مختلفی همراه بوده که وجه مشترک این اثرگذاری در بیشتر اغتشاشات و اعتراضات به فرض محققان، بر محور ایجاد احساس محرومیت نسبی است که تحقیق حاضر نیز در چارچوب نظریه تد رابرت گر (۱۹۹۰) مورد بررسی قرار گرفته است.

اهمیت این تحقیق از آن رو است که خواص همواره مورد توجه مقام معظم رهبری بوده تا آنجایی که از نظر معظم‌له «اگر خواص در هنگام خودش، کاری را که لازم است تشخیص دادند و عمل کردند، تاریخ نجات پیدا می‌کند و حسین بن علی به کربلا کشانده نمی‌شوند. اگر خواص، بد بفهمند، یا فهمیدند با هم اختلاف پیدا کردند معلوم است که در تاریخ کربلا تکرار خواهد شد»؛ بنابراین انجام این پژوهش می‌تواند گامی هرچند کوچک در مسیر شناخت دقیق‌تر نقش رسانه‌ای خواص جامعه در اغتشاشات اجتماعی و بصیرت‌افزایی جامعه باشد و چه بسا به واسطه توسعه روزافزون رسانه‌های اجتماعی و افزایش سطح و شدت کنشگری مخاطبان در این فضا، انجام این پژوهش برای پیشگیری از ابهام نظری در خصوص ابعاد رفتارهای خواص در اغتشاشات اجتماعی و پرهیز از نگاه تک بعدی به اغتشاشات؛ به‌ویژه حوادث سال ۱۴۰۱ و پرهیز از غفلت از عوامل روانی درونی ضروری باشد.

پیشینه

قائدی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی عوامل منجر به بروز بحران امنیتی سال ۹۸ با کاربست نظریه محرومیت نسبی پرداخته‌اند. برای این منظور وقایع مرتبط از سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸ را مورد تحلیل قرار داده‌اند. نتایج این مقاله نشان داده است کاهش توانایی‌های مردم منجر به بروز اعتراض، شورش و درنهایت تبدیل به یک بحران امنیتی می‌شود. مردم طی دو سال زندگی در وضعیت تحریم‌های بین‌المللی، کاهش رشد اقتصادی، افزایش نرخ خوراکی‌ها، افزایش نرخ دلار، سکه و کاهش درآمد سرانه، کاهش توانایی‌هایشان آشکار شد و با آغاز ناگهانی افزایش قیمت بنزین این حس ایجاد شد که فاصله میان انتظارات و توانایی‌ها بسیار زیاد شده است. احساس محرومیت نسبی ایجاد شده در مردم، منجر به اعتراض‌هایی شد که درنهایت به شورش و بحران امنیتی تبدیل گشت.

قربانی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به جستجوی منشأ پیدایش و ریشه‌های شکل‌گیری اعتراضات سیاسی و اجتماعی در دی‌ماه ۱۳۹۶ پرداخته‌اند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که مهم‌ترین منشأ و ریشه تجمعات و ناآرامی‌های دی‌ماه ۱۳۹۶ را می‌توان در مسائل و مفاسد اقتصادی، تبعیض و ناروایی مسئولان و محرومیت نسبی عامه مردم از ثروت و اقتصاد ملی ذکر کرد. عوامل مرتبط با نظریه محرومیت نسبی، مردم را به واکنش خشونت‌آمیز در قبال این متغیرهای اجتماعی واداشت و با گسترش دامنه خشونت سیاسی افرادی که احساس محرومیت می‌کردند، ابعاد واکنش مردمی به محرومیت، از سطح متعارف فراتر رفت و به برای مدت کوتاهی به بحران امنیتی تبدیل شد. از جمله عوامل افزایش حس نابرابری در چند سال اخیر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: فساد اقتصادی، تبعیض اجتماعی، بی‌عدالتی قضایی، محرومیت و فقر، انزوای اجتماعی، بیکاری و مشکلات اقتصادی، بی‌اعتماد به نظام، ناکارآمدی نظام قضایی، ناکارآمدی قوانین کشور در حل مشکلات، وعده‌های انباشته و بی‌عملی مسئولان، بی‌اعتنایی به مردم و عدم شفافیت و پاسخگویی به آن‌ها، بحران‌های مالی بانک‌ها و عدم پرداخت مطالبات مردم.

یوسفی‌رامندی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی و تجزیه و تحلیل اغتشاشات و ناآرامی‌های سال ۹۸ پرداخته است. نتایج گویای آن است که سه عامل اصلی در بروز و تشدید این حادثه نقش داشته است که عبارت است از: آمادگی کامل نظام سلطه، بی‌تدبیری دولت، ویژگی‌های متمایز بحران ۱۳۹۸.

حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) با هدف تحلیل جامعه‌شناختی نقش و کارکرد اجتماعی نخبگان سیاسی (قدرت) در ارتقای امنیت ملی ج.ا.ا. را بررسی نموده‌اند، نتایج حاصل طبق دیدگاه‌های امنیتی کپنهاک و باری بوزان، کارکردهای توجه به آسیب‌های اجتماعی، ترویج وحدت و انسجام اجتماعی و کمک به رفع گسست‌های اجتماعی، قومی و نژادی بیشترین میزان اهمیت را برای پاسخگویان در جمع‌آوری اطلاعات دارا است.

حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۸)؛ در تحقیقی کارکرد امنیتی نخبگان قدرت را موردتوجه قرارداده است؛ کارکردهای کمک به اجتماعی کردن مسائل امنیتی، کمک و اهتمام به مشارکت امنیتی در جامعه و کمک به سیاست‌گذاری در حوزه امور امنیتی بیشترین میزان اهمیت را از نظر افراد پاسخگوی پرسش‌نامه بوده است. یافته‌های

تحقیق حاکی از آن است که تفاوت زیادی بین عملکرد موجود و مطلوب (انتظارات جامعه) نخبگان وجود دارد.

مبانی نظری

- خواص

از منظر مقام معظم رهبری^(مدظله العالی) در بین خواص ممکن است افراد باسواد و بی سواد، روحانی، ثروتمند و فقیر، مخالف و موافق نظام باشند؛ ولیکن در موضع‌گیری همانند عوام بدون فهم و تحلیل عمل نکنند. بلکه انتخابشان، تحلیلشان آگاهانه و مسئولانه خواهد بود و به همین دلیل حضورشان و وجودشان در جامعه نقش آفرین خواهد بود. علت اینکه اکثریت عمده جامعه و یا به عبارت دیگر عوام در کوفه، حضرت علی (علیه السلام) و مسلم را رها کردند و به طرف معاویه رفتند، موضع‌گیری غلط خواص طرفدار حق بود. مقام معظم رهبری^(مدظله العالی) در این مورد می‌فرماید: «اگر خواص در هنگام خودش، کاری را که لازم است تشخیص دادند و عمل کردند، تاریخ نجات پیدا می‌کند و حسین بن علی به کربلا کشانده نمی‌شوند. اگر خواص، بد بفهمند، یا فهمیدند با هم اختلاف پیدا کردند معلوم است که در تاریخ کربلا تکرار خواهد شد.» ایشان در یکی از خطبه‌های نماز جمعه؛ علت لغزش خواص را انحراف از چهار چیز دانسته که با رنگ باختن این چهار اصل زمینه انحراف پدید آمد: عبودیت، معرفت، عدالت و محبت (اسکندری، ۱۳۷۹).

ایجاد یک فکر، یک گفتمان، یک جریان فکری در جامعه، به دست خواص جوامع است؛ به دست اندیشمندان جامعه است؛ آن‌ها هستند که می‌توانند فکر ملت‌ها را به یک سمتی هدایت کنند که مایه نجات ملت‌ها شود؛ همچنان که خدای نخواست می‌توانند به سمتی ببرند که مایه بدبختی و اسارت و تیره‌روزی ملت‌ها شود. این دومی متأسفانه در طول هفتاد هشتاد سال اخیر در برخی از کشورها، از جمله در کشور خود ما اتفاق افتاد (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۹۱).

در یک تقسیم‌بندی کلی، جامعه انسانی از حیث قدرت، نفوذ و اثرگذاری بر دیگران و نیز تأثیرپذیری از ایشان به دو قطب تأثیرگذار و تأثیرپذیر و به دو گروه خواص و عوام، پیشرو و دنباله‌رو، تقسیم می‌شود. در این میان، گروهی که تأثیرگذارند و درواقع، اقلیتی

از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند، «خواص» و سایرین «عوام» نامیده می‌شوند. این دو گروه خواص (نخبگان) و عوام (توده‌های مردمی) منشأ تحولات تاریخی در دوره‌های مختلف بوده‌اند؛ به‌گونه‌ای که هر پدیده تاریخی، حاصل نوع عملکرد این دو گروه و تعامل آن‌هاست. مرجعیت خواص برای عوام و تأثیرپذیری گروه پیرو از پیشرو، توجه به عملکرد و نوع تفکر این دودسته در انعقاد و شکل‌گیری فرایندهای تاریخی و سیاسی، امری حائز اهمیت است (توکلی و خانی‌آزانی، ۱۳۹۲: ۱۲۵).

- اغتشاش (شورش)

اصطلاحات اغتشاش، ناآرامی، شورش، بلوا، آشوب، رفتار جمعی، رفتاری جمعی اعتراض‌آمیز، هیجان جمعی، طغیان خشونت‌آمیز، جنبش، رفتار توده‌ای و طغیان‌های جمعی، همه واژه‌های متعدد و متنوعی هستند که در ادبیات پدیده اغتشاشات فراوان به چشم می‌خورند و نویسندگان نیز آن‌ها را با مقصد مختلف به کار می‌برند (شریفی، ۱۳۸۸: ۸).

شورش یا اغتشاشات ناشی معمولاً از یک اختلاف طولانی و شدید به خاطر مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی یا ایدئولوژیکی مذهبی با استفاده از خشونت و خرابکاری است، شورش در واقع نبردی برای مشروعیت جهت حکومت از دید عموم بوده و شورشیان در حین اعمال مشروعیت خود مشروعیت دولت حاکم را زیر سؤال می‌برند. به این خاطر از خشونت استفاده می‌شود که شورشیان احساس می‌کنند در قالب فرایند سیاسی موجود در کشور، قادر به دستیابی اهداف خود نیستند. نکته اصلی در پی این تلاش، به دست آوردن و حفظ پشتیبانی عمومی بوده و شورشیان از تمامی ابزارهای در اختیار خود (شامل معیارهای سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی، فرهنگی و همچنین خشونت) جهت دستیابی به این هدف استفاده می‌کنند. شورشیان معمولاً به دنبال اختفا میان مردم هستند و این موضوع بدون حمایت مردم ممکن نخواهد بود. گاهی اوقات ممکن است از خرابکاری برای کسب حمایت کوتاه‌مدت استفاده کنند؛ اما این حمایت پایدار نیست. استفاده از خشونت و هرگونه واکنش افراطی توسط نیروهای امنیتی دولتی (که ممکن است به صورت تعمدی صورت گیرد) اقتدار و اعتبار دولت را زیر سؤال برده و قطعاً عاملی برای ناپایداری خواهد بود. وضعیت ناپایدار ممکن است توجه تروریست‌ها و جنایت‌کاران سازمان‌دهی

شده‌ای را که به دنبال کسب منفعت از نبود کنترل توسط دولت هستند جلب کند. محیط بی‌ثبات و آشفته حاصل شده ممکن است عناصر مختلفی را کنار هم قرار دهد؛ زیرا با اینکه شاهد اهداف متفاوتی داشته باشند، قصد آن‌ها زیرسؤال بردن کنترل دولتی است (الکساندر و میدن، ۱۳۹۸: ۳۶-۳۵).

بر اساس تعریفی که فرهنگ لغات اجتماعی (کریمیان، ۱۳۹۳) از جنبش‌های اجتماعی ارائه کرده است، در جنبش‌های اجتماعی بسیاری از مردم به طور فعال جهت ایجاد دگرگونی یا ممانعت از برخی دگرگونی‌ها شرکت می‌کنند. دلب نیز معتقد است رفتارهای جمعی به آن دسته از فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که تحت شرایط زودگذر، بدون ساختار و بی‌ثبات و به سبب نبود آشکار هنجارهای مقبول رخ می‌دهند. این‌گونه رفتارها، عاطفی، خودانگیخته، اتفاقی و کمتر قابل پیش‌بینی‌اند.

میرز در تعریفی نزدیک به دلب، رفتارهای جمعی اعتراض‌آمیز را شامل آن دسته از رفتارهای گروهی از شهروندان می‌داند که هیجانی‌اند، اغلب مخرب و ویرانگرند، تکانه‌ای هستند و با منافع مقامات حکومتی در تضادند. تنها نکته‌ای که تعریف میرز را از تعریف دوم متمایز می‌سازد، تعارض رفتارهای جمعی با منافع حکومتی است. تد رابرت‌گر (۱۳۷۷) با انتخاب اصطلاح خشونت سیاسی، آن را به عنوان تمامی حملات فراگیری که در درون یک جامعه سیاسی علیه رژیم سیاسی و بازیگران آن شامل گروه‌های رقیب، صاحبان قدرت یا سیاست‌های آن انجام می‌گیرد، تعریف می‌کند.

طبق تعریف استوارت (Stewart، ۱۹۷۱) شورش به رفتاری اطلاق می‌شود که از گروهی از مردم سر می‌زند و هدف آن اغلب خرابکارانه و خشونت‌آمیز است. آشوب نیز به رفتار مملو از خشم گروهی گفته می‌شود که از سازمان و وحدت اندکی برخوردار است. یورش خشمگینانه و اغلب بی‌هدف جماعتی از شهروندان به یک مؤسسه یا گروهی از افراد را می‌توان نوعی آشوب تلقی کرد. منظور از هراس اجتماعی نیز رفتار جمعی وحشت‌آلودی است که در اثر احساس خطر پدید می‌آید. این پدیده خیلی سریع ساختار ذهن جماعت وحشت‌زده را فرامی‌گیرد و آنان را به تلاش‌های بیهوده سوق می‌دهد. هیستری جمعی نیز نوعی کنش جمعی است. این پدیده وقتی رخ می‌دهد که گروهی از مردم مهار خویش را از دست می‌دهند و به شیوه‌ای برانگیخته و نامعقول رفتار می‌کنند. هراس اجتماعی و

هیستری جمعی صرف نظر از اختلال موقتی که در نظم عمومی ایجاد می‌کنند، تعارض چندانی با منافع سیاسی و حکومتی ندارند؛ بنابراین، حداقل این دو مشکل از کنش‌های جمعی ناقص تعریف می‌رسند (الیاسی، ۱۳۸۰).

طبق نظر اسملسر نمی‌توان به راحتی یک اصطلاح واحد، مورد توافق و تثبیت شده‌ای را مبنای توصیف رفتارهای مرتبط با اغتشاشات و ناآرامی‌های شهری قرارداد؛ حتی اصطلاح رفتار جمعی مورد نظر اسملسر برای رفع چنین کاستی نمی‌تواند جوابگوی نیاز باشد؛ زیرا زندگی اجتماعی و گروهی مالا مال از رفتارهای جمعی است که نمی‌توان همه آن‌ها را بدین منظور انتخاب نمود تا به نوعی علاوه بر ویژگی‌های مستتر در اصطلاح رفتار جمعی کنش و ماهیت اعتراض آمیز آن را نیز تصریح نمود (شریفی، ۱۳۸۸: ۱۰).

طبق تعریف نیروی انتظامی ج.ا. ایران (معاونت آموزش ناجا، ۱۳۷۷) اغتشاش به معنای هر عملی است که مغایر با قوانین جاری کشور باشد و نظم و امنیت جامعه را برهم زده یا مختل کند. بر این اساس، اصطلاح اغتشاش زمانی به کار برده می‌شود که این شروط محقق شود: ۱- وجود دو نفر یا بیشتر؛ ۲- اجتماع به منظور ایجاد بلوا، اختلال در نظم و آرامش داخلی یا خارجی؛ - اقدام به تظاهرات و عملیات

به این ترتیب برخلاف جمعیت عادی که فاقد سازمان، تشکیلات و رهبری‌اند، جمعیت اغتشاش‌گر افرادی را شامل می‌شود که با نیت و هدف مشترک متشکل شده‌اند؛ حداقل در صحنه عمل ممکن است دارای رهبری بوده و به چند دسته تقسیم شوند؛ دارای اراده قوی نبوده، احساسات بر عقلشان حکم فرمایی می‌کند؛ دارای روحیه تهاجمی بوده و اعمالی را انجام می‌دهند که به تنهایی قادر بر انجام آن‌ها نیستند یا در حالت فردی تمایل به انجام آن اعمال ندارند و معمولاً در اکثر موارد، نتایج و آثار سوء و تخریبی به جا می‌گذارد (شریفی، ۱۳۸۸: ۱۱).

گر (گر، ۱۳۷۷: ۴۷۶) در کتاب خود با عنوان چرا انسان‌ها شورش می‌کنند سه شکل کلی خشونت سیاسی را از هم متمایز کرده است که عبارتند از: آشوب که خشونت سیاسی نسبتاً خودانگیخته و بدون ساختاری با مشارکت بالای مردمی است. توطئه که خشونت سیاسی بسیار سازمان یافته و در مقیاس نسبتاً پایین است و جنگ درون کشوری که خشونتی است در مقیاس بالا و سازمان یافته با هدف سرنگون سازی یک رژیم یا برکناری

یک دولت که با خشونت گسترده همراه است. وی بیان می‌کند که این مقولات را می‌توان به‌گونه‌ای تعریف کرد که تقریباً تمام خشونت‌های سیاسی را در برگیرند و به هر صورت این طبقه‌بندی را دلخواهانه می‌داند، زیرا مبتنی بر متغیرهای دوجوهی-درجات سازمان‌یافتگی و مقیاس خشونت است که در واقع متغیرهای پیوسته هستند. مثلاً برخی از آشوب‌ها سازمان‌یافته‌تر هستند، مثل اعتصاب‌ها و یا کودتا که بالاترین سطح سازمان‌دهی را در میان انواع توطئه دارند، درحالی‌که تروریسم از سازمان‌یافتگی کمتری برخوردار است (شجاع مؤدب و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸۴-۱۸۳).

- بحران‌های امنیتی

بحران به مفهوم آشفتگی (عمید، ۱۳۸۸: ۲۷۲) اگرچه سابقه طولانی در حوزه امنیت و جهان سیاست دارد؛ اما به‌طور مشخص این واژه پس از جنگ دوم جهانی در ادبیات علوم سیاسی جایگاه ویژه‌ای برای خود باز کرد و اندیشمندان علم سیاست و جامعه‌شناسی در تبیین شرایط سیاسی جامعه از جهات مختلف توسعه «فرهنگی، اقتصادی و سیاسی» به تشریح شرایط حاکم بر جامعه و علل بروز بحران پرداختند (دبلیو پای، ۱۳۸۰: ۱۳). ادبیات بحران در حوزه انسانی بیشتر ناظر بر ناآرامی اثرگذار در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جوامع است. به همین دلیل واژه بحران بسیار سخت و دشوار است. علت این دشواری در گستردگی اندیشه و برداشت انسان از یک موضوع و برداشت‌های امنیتی است.

بحران وضعیتی است ناپایدار که در آن تغییری ناگهانی در یک یا چند قسمت از عناصر متغیر نظم موجود ایجاد می‌گردد و به عبارتی منظور از بحران شرایط غیرعادی ناشی از تهدیدات داخلی، خارجی و طبیعی است که امنیت اجتماعی مردم و جامعه را مورد تهدید قرار می‌دهد (افتخاری، ۱۳۷۸).

به همین دلیل است که مقام معظم رهبری می‌فرمایند «مهم‌ترین مشکل برای یک کشور وقتی به وجود می‌آید که در محیط کار، در محیط زندگی، در محیط تحصیل و در فضای عمومی جامعه، مردم احساس امنیت نکنند. اینجاست که مغزهای فعال، دست‌های توانا و سرانگشتان ماهر، هیچ‌یک نخواهند توانست مسئولیت مهمی را که هرکدام بر دوش دارند، به انجام برسانند» (۱۳۷۹/۰۷/۱۸).

بحران‌های امنیتی، پیدایش وضعیت امنیتی است که آسیب یا تهدید جدی امنیتی نسبت به ساخت‌های زیربنایی، یا ارزش‌ها و هنجارهای اساسی جمهوری اسلامی بوده و تحت فشار زمانی، محدودیت گزینه‌ها، در شرایط عدم قطعیت شدید و احساس کاهش کنترل، اتخاذ تصمیمات حیاتی، دقیق و پرهزینه را الزامی می‌سازد (حسینی، ۱۳۸۵: ۲۲ و بیات، ۱۳۹۵).

جانسون^۱ معتقد است ناکارآمدی سامانه سیاسی باعث می‌شود تا نخبگان مانند یک جرعه در انبار باروت، نظام اجتماعی را در جهت خواسته خود رهبری کرده و بحران اجتماعی را ساماندهی و هدایت کنند. تد رابرت‌گار معتقد است احساس محرومیت نسبی در ذهن، عامل اصلی بروز اعتراضات مردمی علیه شرایط حاکم است و حرکت‌های اعتراضی ابتدا در قالب عملکرد گفتاری و در ادامه رفتاری به تشدید اعتراض در جوامع و حرکت آن به سمت تحرکات اجتماعی و سیاسی می‌انجامد (ساوه‌درودی، ۱۳۹۵: ۳۲).

وجود بحران‌های امنیتی در جامعه نیز معلول گسترش دامنه مناقشه و اختلاف میان مسئولان و نخبگان تأثیرگذار، بروز نارضایتی فراگیر بین نهادهای نظامی و غیرنظامی، گسترش دامنه فعالیت گروه‌های گروه مخالف، تشدید اقدامات گروه‌های برانداز و گسترش اقدامات تروریستی افزایش کنش‌های جمعی اعتراض است (تاجیک، ۱۳۷۹: ۴۸).

ریشه اصلی بحران امنیتی ناشی از شکل‌گیری یک پدیده در پیکره جامعه است. با این نگاه می‌توان گفت بحران امنیتی شکل سازمان یافته و هدایت شده یک پدیده برای تبدیل شدن به رویداد ضد امنیتی تأثیرگذار بر نظام تعادل اجتماعی و منافع امنیت ملی کشور است که شرایط را برای عبور از آن در یک بازه زمانی مشخص برای تصمیم‌گیران سخت و دشوار خواهد ساخت (ساوه‌درودی، ۱۴۰۰: ۳۲).

بحران‌های امنیتی به طور کلان به سه دسته قابل تقسیم است: دسته اول تنش‌ها یا ناآرامی‌های اجتماعی، پدیده‌هایی نامنظم که کمترین سازمان‌دهی، تشکیلات، رهبری و تجهیزات را دارد و حجم قابل توجهی از مردم و گروه‌های اجتماعی را دربرمی‌گیرد. دسته دوم شامل مواردی است که عمیق‌تر بوده و با سازمان‌دهی بیشتر و هدایت و رهبری برنامه‌ریزی شده تری رخ می‌دهد و از آن به عنوان شورش یاد می‌شود. دسته سوم پدیده‌هایی

است که «توطئه» نامیده شده و نوع حاد یک تنش اجتماعی است. توطئه دارای بیشترین سازمان‌دهی، تشکیلات، رهبری و تجهیزات است. از نمونه‌های این دسته می‌تواند جنگ، تروریسم و کودتا را نام برد (فکوهی، ۱۳۷۷: ۵۳).

- نظریه محرومیت نسبی

یکی از مهم‌ترین نظریات پیرامون بحران‌ها، نظریه محرومیت نسبی است. این نظریه اساساً برای تبیین اغتشاشات و کنش‌های اعتراض‌آمیزی فرمول‌بندی شد که در دهه ۶۰ میلادی در آمریکا رخ داد. تد رابرت‌گر بر این باور است که با این نظریه می‌توان انواع کنش‌های جمعی اعتراض‌آمیز را تبیین کرد (گر، ۱۹۷۶: ۲۵۲).

رویکردهای مبتنی بر نارضایتی بر بی‌عدالتی متمرکز است، مثل توزیع ناعادلانه قدرت و ثروت در جامعه، تجمع تحقیرهای سیاسی و اجتماعی ناشی از تمرکز نامتناسب قدرت، فقر دائمی یا محرومیت‌های مبتنی بر هویت که افراد را برای شورش در مقابل حکومت موجود تحریک می‌کند. عموماً، رویکرد مبتنی بر نارضایتی در بسیاری از مطالعات مربوط به شورش‌ها، جنگ‌های داخلی و جنبش‌های اجتماعی منعکس شده است، ولی تأکید اصلی بر فهم منشأ درگیری خشونت‌آمیز است.

تد رابرت‌گر به دلایل روانی و اجتماعی بروز خشونت‌های سیاسی پرداخته است. همان‌طور که بسیاری از محققین بیان کرده‌اند، نارضایتی به‌تنهایی باعث شروع و گسترش درگیری نمی‌شود. محرومیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حتی وقتی بسیار تشدید می‌شوند به‌صورت خودکار منجر به شورش در مقابل حکومت نمی‌شوند؛ علاوه‌براین اگرچه مقالات مربوط به نارضایتی در خصوص چرایی شورش مردم صحبت می‌کند؛ ولی آن‌ها در مورد چگونگی شورش صحبت نمی‌کنند (شجاع مؤدب، ۱۳۹۹: ۱۸۴).

یافته‌های رابرت‌گر با استفاده از داده‌های (انواع خشونت) مربوط به ۱۱۴ کشور؛ به‌ویژه تحت‌تأثیر اغتشاشات سیاه‌پوستان آمریکا در زمینه کسب حقوق مدنی در دهه ۱۹۶۰ در محافل دانشگاهی آمریکایی طرف‌داران متعددی پیدا نمود. به‌طورکلی در این رهیافت به‌رغم تحلیل عواملی همچون عدم تعادل و کارایی ساختارهای سیاسی و اجتماعی در بروز خشونت‌ها، آنچه بیشتر مورد تأکید پژوهشگران قرار می‌گیرد «شرایط ذهنی و فردی» است که منجر به عدم رضایت‌مندی و درنهایت خشونت و اعتراض می‌شود. رابرت‌گر

در کتابش ابتدا به ناآرامی‌ها و خشونت‌های موجود در امپراتوری‌های اروپا در ۲۴ قرن می‌پردازد و مدعی است که «آن‌ها پس از هرسال ناآرامی خشونت‌آمیز، تنها به طور متوسط چهار سال مسالمت‌آمیز را پشت سر گذاشته‌اند. ملت‌های مدرن سابقه بهتری ندارند: به طوری که بین سال‌های ۱۹۶۱ و ۱۹۶۸ اشکالی از منازعه خشونت‌آمیز داخلی در ۱۱۴ مورد از ۱۲۱ مورد از ملل و مستعمرات بزرگ‌تر جهان اتفاق افتاد» (رابرت گر، ۱۳۷۹: ۲۳).

نظریه محرومیت نسبی را می‌توان به دو بخش به ترتیب ذیل تقسیم نمود: الف) چگونگی شکل‌گیری محرومیت نسبی در ذهنیت افراد و منابع محرومیت. ب) چگونگی هویدا شدن محرومیت ایجاد شده در شکل خشونت سیاسی جمعی، تحت تأثیر متغیرهای اجتماعی. رابرت گر نظریه خود را بر اساس این فرض مقدماتی ظاهراً بدیهی که نارضایتی، علت اساسی ستیز خشونت‌آمیز است شروع می‌کند (همان، ۳۶۴).

رابرت گر سپس نظریه‌های روان‌شناختی عام خشونت و پرخاشگری را به سه دسته کلی تقسیم می‌کند (رابرت گر، ۱۳۷۹: ۶۷-۶۲).

گروه نخست، نظریه‌هایی که پرخاشگری را امری ذاتی و غریزی انسان می‌داند؛ افرادی همچون زیگموند فروید (غریزه مرگ) و لورنز در این دسته قرار دارند.

دسته دوم که نقطه مقابل گروه نخست هستند، رفتار پرخاشگرانه را کاملاً امری اکتسابی می‌دانند. نظریه جانسون در مورد خشونت مدنی به عنوان یک امر هدفمند از این رسته است. علاوه بر جانسون افرادی همچون تیماشف و موریسون در این گروه قرار دارند.

گروه سوم، پرخاشگری و خشونت را پاسخی به ناکامی و سرخوردگی می‌دانند، در این رویکرد ضمن توجه به بخشی از ساخت زیست‌شناختی انسان مدعی هستند یک تمایل ذاتی زیست‌شناختی در انسان همچون حیوانات برای حمله به عامل سرخوردگی - پرخاشگری وجود دارد در این گروه به افرادی همچون دولارد و میلر می‌توان اشاره نمود. رابرت گر با تأیید نظر گروه سوم - که نظریه‌اش بر این اساس شکل گرفته - متفکرین و مثال‌های متعددی در این ارتباط می‌زند (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۴۸).

نظریه رابرت گر رهیافتی کلی و عام در مورد خشونت است. در واقع این نظریه مختص انقلاب نیست؛ بلکه به طور عام شامل کلیه خشونت‌های اجتماعی در یک جامعه می‌شود. به رغم این موضوع چون یکی از ویژگی‌های اساسی انقلاب خشونت و پرخاشگری

است؛ از این رو کتاب «چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟» رابرت گری یکی از منابع معتبر در باب نظریه پردازی انقلاب تلقی می‌شود. به نظر وی واکنش فرد در مقابل محرومیت می‌تواند به سه شکل بروز نماید: مبارزه منفی، مبارزه غیر خشونت ولی فعال، واکنش خشونت طلبانه. از منظر سیاسی تد رابرت گری سه بخش کلی خشونت سیاسی را شامل آشوب (Turmoil)، توطئه (Conspiracy) و جنگ درون کشوری می‌داند.

آشوب: خشونت سیاسی نسبتاً خودجوش و غیر سازمان یافته همراه با مشارکت مردمی زیادی شامل اعتصابات سیاسی خشونت بار، شورش‌ها، درگیری‌های سیاسی و شورش‌های محلی است.

توطئه: خشونت سیاسی بسیار سازمان یافته همراه با مشارکت محدود، شامل سوء قصد سیاسی سازمان یافته تروریسم در مقیاسی کوچک، جنگ پارتیزانی در مقیاسی کوچک، کودتا. جنگ درون کشوری: خشونت سیاسی بسیار سازمان یافته، همراه با مشارکت مردمی گسترده که منظور سرنگونی رژیم یا درهم شکستن دولت طراحی شده و همراه با خشونت گسترده باشد؛ شامل تروریسم و جنگ‌های پارتیزانی در مقیاس وسیع، جنگ‌های داخلی و انقلاب‌ها. (رابرت گری، ۱۳۷۹: ۳۲). وی در ادامه مدعی است برای تعیین گستردگی ستیز اجتماعی باید به مواردی همچون حجم و فراگیری، مدت و زمان و شدت ضایعات و تلفات آن را مورد توجه قرارداد.

تد رابرت گری بر اساس نظریه ناکامی - پرخاشگری نظریه جدیدی تحت عنوان محرومیت نسبی ارائه نموده‌اند که از آن طریق به تبیین شورش‌ها و آشوب‌های شهری می‌پردازد. بر اساس دیدگاه گری، پیش شرط لازم برای بروز رفتارهای خشونت آمیز جمعی شهری وجود محرومیت نسبی است. طبق این نظریه اغتشاشات شهری واکنش‌های جمعی خشونت آمیز زمانی رخ می‌دهد که تعداد چشمگیری از افراد اجتماع احساس محرومیت کنند؛ در چنین شرایطی هرچقدر محرومیت نسبی شدیدتر باشد احتمال و شدت خشونت مدنی بیشتر خواهد بود (الیاسی، ۱۳۸۸).

حال اگر این احساس در سطح وسیع یعنی اجتماع شایع بوده و همراه با شدت و عمق بیشتری باشد، شرایط و وضعیت شورش و انقلاب فرامی‌رسد؛ البته صرف این وضعیت دلیلی برای تهییج مردم نیست و به عوامل دیگر همچون سازمان دهی و بسیج مناسب،

همراه با ناکارآمدی حکومت و نیروهای مسلح همبستگی دارد. براین اساس، رابرت گرسه نوع ناکامی نسبی را مطرح می‌نماید:

الف. محرومیت نزولی: محرومیت ناشی از کاهش امکانات در مقابل انتظارات و توقعات ثابت. در این حالت امکان ارضای نیاز نسبت به گذشته محدودتر و کمتر می‌شود.

ب. محرومیت ناشی از بلندپروازی: محرومیت نسبی زمانی است که ما شاهد افزایش انتظارات (توقعات) در مقابل امکانات و توانایی افراد ثابت هستیم. این حالت زمانی اتفاق می‌افتد که جامعه بر اثر تحولات مختلف از جمله فرهنگی، ارزشی و اجتماعی قرار گرفته و خواهان زندگی بهتر باشند.

ج. محرومیت صعودی: زمانی است که انتظارات افزایش یافته در مقابل امکانات کاهش می‌یابد. در چنین وضعیتی محرومیت فزاینده منجر به تنش‌های شدید اجتماعی و سیاسی می‌شود. در این نوع محرومیت، پس از یک دوره رشد هم‌زمان انتظارات و توانایی‌ها، توانایی‌ها از رشد صعودی بازایستاده و یا کاهش شدیدی می‌یابد و انتظارات همچنان حالتی صعودی دارند. هرچند محرومیت نسبی ایجاد شده بر اساس تفاوت میان انتظارات و توانایی‌ها شدیدتر باشد، آنگاه نارضایتی شدیدتر و احتمال و شدت خشونت هم بیشتر خواهد بود.

محرومیت نسبی به عنوان برداشت بازیگران از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی‌شان تعریف شده است (علوم و جلیلی، ۱۳۹۹: ۳۸). به شکلی که هرچه شکاف میان واقعیت‌های اجتماعی فرد با انتظارات ارزشی وی بیشتر گردد، احساس محرومیت بیشتر می‌شود (سیف‌زاده و گلپایگانی، ۱۳۸۸: ۲۵).

«تد رابرت گر» معتقد است احساس محرومیت نسبی در ذهن، عامل اصلی بروز اعتراضات مردمی علیه شرایط حاکم است و حرکت‌های اعتراضی ابتدا در قالب عملکرد گفتاری و در ادامه رفتاری به تشدید اعتراض در جوامع و حرکت آن به سمت تحركات اجتماعی و سیاسی می‌انجامد (ساوه درودی، ۱۳۹۵: ۳۲).

بیشتر نظریه‌پردازان در سیر نظریه مفهوم محرومیت نسبی در این مورد توافق دارند که خواستن و مقایسه کردن از عوامل به وجودآورنده محرومیت نسبی است؛ اما نکته‌ای که مباحث تد رابرت گر را نسبت به سایر دیدگاه‌ها برجسته می‌سازد، پرداختن به ابعاد

و اشکال محرومیت نسبی است. تد رابرت گر محرومیت نسبی را محصول تفاضل بین انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی می‌داند. منظور از توانایی‌های ارزشی نگرش افراد نسبت به فرصت‌ها و امکانات برآوردن نیازها است (گر، ۱۳۸۸: ۵۴-۵۳).

رابرت گر همچنین انتظارات ارزشی را مربوط به وضعیت فعلی و آینده می‌داند؛ به عبارت دیگر افراد تلاش می‌کنند داشته‌های فعلی خود را حفظ کنند و انتظار دارند در آینده به توقعات و انتظاراتشان دست پیدا کنند و معمولاً این انتظارات با انتظارات حالشان برابر و یا بیشتر است. توانایی‌های ارزشی نیز مضامینی مربوط به حال و آینده دارند. برای نمونه چیزهایی که انسان‌ها در واقعیت توانایی کسب آن را داشته‌اند و یا محیط برای آن‌ها فراهم آورده است؛ موقعیت ارزشی مربوط به توانایی‌های ارزشی حال است. آن چیزهایی که افراد با توجه به توانایی‌ها و مهارت‌های خود و با کمک دوستان و اطرافیان و حکمرانان و زمامداران در طی زمان در آینده امکان کسب و حفظ آن‌ها را خواهند داشت، مربوط به توانایی‌های ارزشی آینده می‌شوند که رابرت گر آن را پتانسیل ارزشی می‌نامد (گر، ۱۳۸۸: ۵۸).

به اعتقاد تد رابرت گر، ناکامی افراد در دستیابی به اهدافشان و نوع درک آن‌ها از محرومیت نسبی، منجر به رفتار پرخاشگرانه و خشونت در آن‌ها می‌شود و عواملی که منجر به پدیداری خشونت مدنی می‌شوند عبارت‌اند از: توجیه روانی سیاسی شدن نارضایتی، تجربه موفقیت آمیز گروه‌های قبلی و نقش نمادها و نشانه‌ای خشونت برانگیز. وی عوامل دیگر، شامل نقش اطمینان بخش و امنیت آفرین جماعت و گروه را در گرایش افراد به خشونت مورد توجه قرارداد. به نظر وی، این باور که برخی از ترتیبات اجتماعی یا نهادهای سیاسی ذاتاً از خشونت مصون هستند یا قادرند تمامی خواسته‌های انسان‌ها را برآورده سازند، تنها بخشی از حقیقت است و این فرض را که نارضایتی به طور عمده خاستگاهی مادی است و این فرض را که نارضایتی به طور عمده خاستگاهی مادی است و لذا برآوردن خواسته‌های مادی علاج آن است، نمی‌پذیرد و معتقد است هیچ‌یک از الگوهای موجود، قادر به برآوردن تمامی آرزوهای انسانی و حل تمام نارضایتی‌های انسان نمی‌باشند (شریفی، ۱۳۸۸: ۲۶-۲۵).

تد را برت‌گر معتقد است انسان‌ها علاوه بر رفاه مادی خواستار شرایط دیگری نیز در زندگی هستند که امنیت، منزلت، حس تعلق به جمع و حق اداره امور خود، از عمده آن‌هاست. به علاوه، توسل انسان‌ها به خشونت سیاسی هرچند غیرعقلایی است؛ اما هیچ‌گاه بدون دلیل به وقوع نمی‌پیوندد. به نظر او ناآگاهی تقریباً همیشه یکی از علت‌های آن است؛ گاه ناآگاهی از پیامدهای آن از سوی کسانی که به آن توسل می‌جویند و اغلب ناآگاهی کسانی که شرایط اجتماعی الهام‌بخش آن را به وجود می‌آورند و حفظ می‌کنند؛ اما اینکه خشونت سیاسی قابل درک است، نه آن را ضروری می‌سازد و نه اجتناب‌ناپذیر؛ بلکه امکان حل آن را فراهم می‌کند. راهبردهای این محققان برای مقامات حکومتی در کنترل خشونت‌ها عبارت‌اند از: به حداقل رساندن تغییر در موقعیت‌های ارزشی گروه یا به بیان دیگر؛ حفظ وضع موجود و توزیع کالاهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی. اگر نخبگان دل‌بسته پیشرفت باشند یا ناخواسته در آن گرفتار شده باشند، منافع ناشی از آن پیشرفت باید به شکل متوازن توزیع شود. بنا بر نظریه، اگر مردمی که از امتیازات کمتری برخوردارند، ابزاری برای کسب اهداف خود داشته باشند - اگر بر منابع و سرشت خود میزانی از کنترل داشته باشند، اگر بتوانند مهارت‌های لازم برای پیشرفت خود را به دست آورند و اگر با موانع تبعیض آمیزی در مقابل پیشرفت خود مواجه نشوند - می‌توان آن‌ها را حداقل به طور موقت خرسند ساخت؛ البته این فرصت‌ها باید حداقل نتایجی نیز به همراه داشته باشند. اگر چنین نباشد، امیدهای نقش برآب شده بیش از امیدهایی که هرگز دنبال نشده‌اند، تأثیرات ویرانگری بر ثبات دارند (همان: ۲۷).

در مجموع، محرومیت ناظر بر شرایطی نابرابر میان اجزای یک جامعه است که در آن، برخی شهروندان از امکانات و امتیازات، بهره‌مندی‌های بیشتری نسبت به برخی دیگر دارند. بر اساس نظریه محرومیت نسبی، شورش و بحران‌های سیاسی هنگامی صورت می‌گیرد که معترضان به این نتیجه برسند که بنا به دلایلی از امکانات موجود یا آنچه مورد انتظارشان است، کمتر از آنچه حق آن‌هاست، دریافت می‌کنند؛ از این رو برای دست یافتن به حقوق و منافع بیشتری یا تسکین سرخوردگی ناشی از محرومیت به پرخاشگری و خشونت سیاسی متوسل می‌شوند. (گروه وحدت فرهنگ سدید، ۱۳۹۸)

رسانه‌ها می‌توانند با اطلاع‌رسانی از محرومیت‌ها، تبعیض‌ها، فقر و مشکلات اقتصادی در ادراک و ارزیابی نابرابری، نارضایتی را آشکار و شدت اعتراضات را گسترش دهند یا در جهت کاهش احساس نابرابری حرکت کنند. همچنین می‌توانند در شرایط وقوع انتظارات فزاینده شهروندان و توانایی محدود دولت در پاسخگویی، انتظارات را تعمیق بخشیده و احساس نارضایتی از وضعیت اجتماعی موجود را افزایش دهند. از سوی دیگر رسانه‌ها می‌توانند با شفاف‌سازی مقدمات کشور، انتظارات مردم را در سطح منطقی و قابل‌برآورد کنترل نمایند (کیا، ۱۳۹۰: ۹۸).

هر نوع شرایط محیطی که کارآمدی و عدالت را در جامعه از بین ببرد، موجب قطع ارتباط نخبگان و نابودی حمایت‌های مردمی و افزایش اعتراضات اجتماعی می‌گردد. همچنین، ناخرسندی حاصل از احساس محرومیت نسبی که بر اساس تفاوت میان انتظارات ارزشی انسان‌ها و توانایی‌های ارزشی آنان تعریف می‌گردد، یکی دیگر از دلایل شکل‌گیری نارضایتی بوده و به هراندازه این نارضایتی شدیدتر باشد، احتمال بروز خشونت و رفتارهای آشوب‌گرانه نیز بیشتر خواهد بود (گر، ۱۳۷۷). از دیگر علل و ریشه‌های وقوع نارضایتی‌های اجتماعی می‌توان به انباشت مطالبات و خواسته‌های اقشار مختلف و لایه‌های گوناگون جامعه ایران، پاسخ نیافتن آن‌ها و در نتیجه نبود اعتماد عمومی، اتخاذ رویکرد امنیتی و سیاسی نسبت به مسائل روزمره (سردارنیا و کیانی، ۱۳۹۵)، توسعه مسائل ساختاری نظیر افزایش جمعیت تحصیل‌کردگان دانشگاهی و ناتوانی نظام دولتی در فراهم کردن امکانات و اشتغال برای آن‌ها و... اشاره کرد (درخشه و هراتی، ۱۳۹۲).

- احساس محرومیت نزولی (داشته‌های گذشته)

برخی اشکال ناکامی و نارضایتی که توسط انواع عدم تعادل‌های ساختاری و کارکردی در جامعه ایجاد می‌شوند، خود را به صورت کنش‌های جمعی بی‌ثبات‌کننده بروز می‌دهند. تغییر اجتماعی؛ به‌ویژه تغییر شتابان، اختلال آفرین و بی‌ثبات‌کننده تلقی می‌شود و از طریق سازوکارهای روان‌شناسی اجتماعی معینی که محرومیت نسبی یا ناکامی و سرخوردگی نامیده می‌شود، موجب جنبش‌های اعتراضی و حوادث بی‌ثبات‌کننده می‌گردد. در حقیقت رفتارهای سیاسی خشونت‌آمیز نتیجه نارضایتی و نارضایتی محصول ناکامی یا محرومیت نسبی آنان است که به معنی وجود شکاف

و اختلاف میان آنچه آن‌ها می‌خواهند و آنچه فکر می‌کنند می‌توانند به دست آورند، است؛ بنابراین در نظریه‌های محرومیت نسبی هرگونه تغییر اجتماعی که موجب ظهور و نضج انتظارات برای زندگی بهتر نزد مردم شود، بدون اینکه وسایل لازم برای تأمین این انتظارات فراهم گردد، می‌تواند به بی‌ثباتی سیاسی بینجامد (گر، ۱۳۷۷). این نظریه می‌پذیرد که دگرگونی و رشد شتابان در شرایط کلی اجتماع بر شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تأثیر داشته و شکاف میان انتظارات و دستاوردها را به وجود می‌آورد، شکافی که ناکامی به وجود آورده و ناکامی منجر به پرخاشگری می‌شود و تجمع آن‌ها در سطح کلان به شکل کنش‌های جمعی اعتراضی و شورش بروز می‌یابد. بدین لحاظ، احساس محرومیت نسبی، ناظر بر محرومیت از چیزی است که شخص باور و اعتقاد دارد که استحقاق آن را دارد و عمدتاً معطوف به افراد ناراضی و ناخشنودی است که به هنگام مقایسه وضعیت خود با دیگران در می‌یابند که از آنچه استحقاقش را دارند، کمتر دارند (حسینی‌زاده، ۱۳۹۹).

از نظر تد رابرت‌گر بروز هرگونه نارضایتی و ناآرامی، خشونت و اعتراض در جامعه تابعی از نسبتی است که بین «انتظارات ارزشی» خواسته‌ها و «توانایی‌های ارزشی» داشته‌ها به وجود می‌آید. اگر در جامعه‌ای، بین خواسته‌ها و داشته‌ها نسبت معقولی برقرار باشد و در افراد، تولید رضایت کند، آن جامعه در وضعیت ثبات خواهد بود و اگر نسبت «داشته - خواسته» از حالت تعادل خارج شود، افراد به دلیل تأمین نشدن خواسته‌هایشان احساس نارضایتی می‌کنند و در نتیجه جامعه در معرض ناآرامی قرار می‌گیرد (حسینی‌زاده آرانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۴۰).

گر در نظریه محرومیت نسبی به چگونگی ایجاد محرومیت نسبی (منبع نارضایتی) در افراد اشاره و نشان می‌دهد که چگونه این وضعیت ذهنی - روانی، تحت تأثیر متغیرهای اجتماعی از حالت ذهنی خارج شده و در شکل خشونت سیاسی (وضعیتی عینی) نمایان می‌گردد (گر، ۱۳۷۷: ۳۶۴). این نارضایتی مفروض جهت انجام کنش‌های خشونت‌آمیز نتیجه ایجاد محرومیت نسبی در افراد است و محرومیت نسبی به عقیده‌گر عبارت است از «تفاوت درک (شده) بین انتظارات ارزشی افراد (وسایل و شرایط زندگی‌ای که افراد معتقدند به راستی حق آن‌هاست) و توانایی ارزشی آن‌ها (وسایل و شرایطی که فکر می‌کنند

استعداد به دست آوردند و نگهداری آن‌ها را دارند» (همان: ۱۳). محرومیت نسبی موجب بروز نارضایتی در افراد می‌گردد و نارضایتی محرکی کلی برای اقدام علیه منبع محرومیت است. (همان: ۳۴) پاسخ‌های پرخاش جویانه تنها زمانی شکل می‌گیرند که سرنخی از بیرون آن‌ها را تحریک کند. در خشونت‌های سیاسی پس از شکل‌گیری محرومیت نسبی و نارضایتی، چنانچه حکام سیاسی از طرف مردم عامل محرومیت شناخته شوند خشونت جمعی شکل سیاسی به خود گرفته و پرخاشگری منبعث از سرخوردگی معطوف به ضربه‌زدن علیه منبع محرومیت می‌شود. البته در سیاسی شدن خشونت (و همچنین تظاهر محرومیت نسبی ذهنی در شکل خشونت جمعی عینی) متغیرهای اجتماعی دیگری همچون میزان تضمین فرهنگی یا خرده فرهنگی برای پرخاشگری آشکار، میزان درجه موفقیت در گذشته، میزان وضوح و شیوع جاذبه‌های نمادین توجیه‌کننده خشونت، مشروعیت نظام سیاسی و نوع پاسخ‌هایی که به محرومیت نسبی داده است و باور به اینکه خشونت در کسب ارزش‌های نادر مفید است، دخالت دارند. پس از بروز خشونت علیه بازیگران سیاسی، اینکه درنهایت کدام یک از طرفین خشونت در مواجهه باهم به پیروزی رسند، تابعی از میزان کنترل حکومت بر نیروی اجبار، حمایت سازمانی و قابلیت قهری مخالفان است (همان: ۶۷).

چنانچه بخواهیم متغیرهای تعیین‌کننده محرومیت نسبی یعنی انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی را از ذهنیات افراد استنتاج کنیم دچار مشکل دور یا این‌همانی نگشته و از این اتهام مبرا هستیم. زمانی استدلال در این مورد، دور بود که انتظارات ارزشی (اهداف و خواسته‌ها) از توانایی‌های ارزشی (داشته‌ها) و بالعکس، توانایی‌های ارزشی را با سنجش انتظارات ارزشی به دست بیاید؛ بنابراین برای بررسی محرومیت نسبی می‌بایست هم انتظارات ارزشی (خواسته‌ها و باید‌های) افراد و هم توانایی‌های ارزشی (داشته‌ها و هست‌های) آن‌ها را با بررسی ذهنیات آنان تعیین کرد. تنها از این طریق می‌توان به پاسخی منطقی و قانع‌کننده در مورد وضعیت محرومیت نسبی در ذهنیات افراد دست یافت و از مشکل عدم همخوانی بین برداشت‌های بازیگران انقلاب از انتظارات و توانایی‌ها با واقعیت موردنظر محققان دوری جست (سام دلیری، ۱۳۸۲: ۸۲۴).

- محرومیت آرزویی

در اعتراضات سال ۱۴۰۱، جوان بودن معترضان که بیشتر از دهه هشتادی‌ها بودند و همچنین عدم وابستگی آن‌ها به گروه‌ها یا سازمانی خاص حکایت داشت. برخی از تحلیل‌ها از کالبدشکافی جریانات اخیر حاکی است طی سال‌های گذشته شکاف‌های اجتماعی نسبت به گذشته افزایش یافته و مشکلات اقتصادی نیز دامنه این شکاف و نارضایتی را افزایش داده است. به زعم کارشناسان بی‌توجهی سیاستمداران به اصلاحات در تمامی عرصه‌ها از سیاست و جامعه گرفته تا اقتصاد باعث بروز نارضایتی‌ها و بی‌اعتمادی به عملکرد دولت در عموم جامعه شده است. نمونه آن مسائل مربوط به قوانین حجاب و عدم اصلاح آن و برخورد نامناسب گشت ارشاد است. بر اساس این تحلیل‌ها با توجه به فاصله موجود و شنیده نشدن صدای مردم به خصوص زنان و نسل جوان و خواسته‌های آن‌ها در کنار بحران بی‌اعتمادی و تبعات سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد، وقایعی همچون درگذشت دختری جوان با توجه به عدم اطلاع‌رسانی دقیق در مورد علت حادثه می‌تواند منجر به باز شدن زخم‌های موجود بر پیکره جامعه شود (ژورنال بازار و سرمایه، ۱۴۰۱: ۴۷). راهبرد دشمن در ایجاد اغتشاش؛ ایجاد اختلاف، ایجاد بی‌اعتمادی؛ بی‌اعتمادی دسته‌های سیاسی نسبت به همدیگر، گروه‌های مردمی نسبت به همدیگر، بی‌اعتمادی مردم به حکومت، بی‌اعتمادی حکومت به مردم، بی‌اعتمادی این به آن، این سازمان با آن سازمان که به هم بی‌اعتماد باشند، به هم بدبین باشند. وقتی بی‌اعتمادی به وجود آمد، امید به آینده هم از بین خواهد رفت. (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش، ۱۴۰۱/۱۱/۱۹).

یأس‌آفرینی، امیدسازی، القای ناتوانی و بن‌بست‌آفرینی: دشمن از همه توان دارد استفاده می‌کند برای القای ناامیدی، برای القای بن‌بست. شاخص عمده ایران‌ستیزی یأس‌آفرینی است، امیدسازی است، القای ناتوانی است، القای بن‌بست است؛ این‌ها شاخص‌های ایران‌ستیزی است. (بیانات در دیدار مردم اصفهان، ۱۴۰۱/۰۸/۲۸).

- محرومیت پیش‌رونده (انتظارات استمرار بهبود)

به‌طورکلی، مقوله رضایت، امری نسبی بوده و رضایت اجتماعی شهروندان در هر نظام اجتماعی اگرچه تا حد زیادی به شرایط فردی بستگی دارد، تأثیر عوامل اجتماعی در بروز

یا افول آن بسیار پرننگ‌تر به نظر می‌رسد؛ به عبارتی دیگر، هر فرد از طریق تحلیل شرایط پیرامون خود می‌تواند اوضاع فردی خویش را دریافته و به ارزیابی آن بپردازد؛ عواطف مثبت فرد از شرایط خود و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، اگرچه عنصری ذهنی است؛ اما ریشه در شرایط عینی دارد و نمی‌توان این حقیقت را نادیده انگاشت که مؤلفه‌های اصلی در ارزیابی مثبت و منفی هر فرد، تحلیل و ارزیابی ذهنی است که نسبت به شرایط خود و جامعه در تطبیق با دیگران دارد. چنانچه ارزیابی فرد از اوضاع شخصی یا از زندگی خود به نتایج منفی بینجامد، این احساس منفی در همان بخش محدود نمانده و بسیاری از رفتارها و گرایش‌های فرد نسبت به وضعیت فردی و شرایط اجتماعی را تحت تأثیر قرارداد و متحول می‌نماید (معیدفر و ذهانی، ۱۳۸۴: ۱۳۶).

براین اساس چنانچه رضایت، آرامش، احساس سعادت و بالعکس، عدم احساس خوشبختی و نارضایتی در جامعه تسری یافته و عده زیادی از اعضای جامعه را در برگیرد، این را نمی‌توان به شرایط فردی تحویل نمود، بلکه باید اوضاع اجتماعی را در ارتباط با آن در نظر گرفت. بر این مبنا، در جامعه معاصر کاربرد اصطلاحاتی نظیر اغتشاش، ناآرامی، شورش، بلوا، آشوب، رفتار جمعی اعتراض‌آمیز، هیجان جمعی، طغیان خشونت‌آمیز و...، جملگی حکایت از اهمیت نارضایتی‌ها در بعد اجتماعی دارند که عمده دولت‌ها در صدد رفع آن‌ها و ایجاد ثبات و پایداری در بدنه نظام سیاسی هستند (گات و همکاران، ۲۰۰۲؛ رجب‌زاده و طالبان، ۱۳۸۶).

نارضایتی عمومی یا نارضایتی اجتماعی به وضعیتی اطلاق می‌شود که عدم رضایت مردم از حاکمیت نظام دولتی و عوامل و نهادهای منتسب به آن به یک مسئله شایع مبدل شده، بخش گسترده‌ای از شهروندان را شامل می‌شود. نارضایتی اجتماعی اشاره دارد به احساس ناخرسندی هر فرد از زندگی خویش و از رابطه با دیگران که بر مبنای عدم تأمین نیازهای اصلی و اساسی انسان در عرصه‌های مختلف مفهوم‌سازی می‌شود (صادقیان و علمی، ۱۳۹۴).

عموماً نارضایتی‌های اجتماعی به مانند آتشی زیر خاکستر، آماده شعله‌ور شدن بوده، به همین دلیل است که از آن‌ها به مثابه شرط لازم به منظور تحقق جنبش‌های اعتراضی و

اولین عامل مهم در وقوع هر انقلاب که زمینه ظهور و گسترش سایر عوامل و شرایط را نیز فراهم می‌کند، یاد می‌کنند (برینتون^۱، ۱۳۹۷).

نارضایتی اجتماعی، نوعی اختلاف ادراک شده بین تأمین نیازهای اساسی انسان و پیشرفت وی در زندگی (تحقق آرزو و ایدئال) است که منجر به نارضایتی فرد از وضع موجود می‌گردد. باوجود این، نارضایتی اجتماعی اگرچه برداشت و تلقی یا احساس ناخوشایند افراد از زندگی است؛ اما این احساس فردی بیشتر برساخته اجتماعی است تا برساخته روانی، زیستی، عاطفی یا فردی (برینتون، ۱۳۹۷). به عبارتی دیگر، جامعه از یک طرف به وجودآورنده شرایطی است که می‌تواند فرد را به سوی تحقق اهداف و آرزوهای فردی سوق دهد و از سوی دیگر زمینه‌ساز تحقق فضایی است که فرد می‌تواند به کنش متقابل و ارتباط با هم‌نوعانی که باعث ایجاد آرامش، امنیت و اطمینان خاطر او برای یک زندگی مناسب است، بپردازد.

جامعه‌شناسان، نارضایتی و بحران را در بی‌عدالتی موجود در جامعه و مشکلات اجتماعی، روان‌شناسان، نارضایتی و بحران را در بی‌هویتی، پوچ‌گرایی و هیجانات کاذب انسان‌ها و محققان علم مدیریت، نارضایتی را براساس میزان اثراشان بر سازمان و سازوکارهای مدیریت آن، تفسیر می‌کنند (خان محمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۴).

دورکیم^۲ در تعریف نارضایتی اجتماعی از آنومی و ظهور آرزوهای جدید و بی‌حد و حصر و ناکامی از عدم ارضای نیازها صحبت کرده (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۱۸) مرتون^۳ در این زمینه از فاصله زیاد فرد تا گروه مرجع و احساس محرومیت حاصل از آن سخن به میان آورده و کریزبرگ^۴ نیز بر وجود محرومیت مطلق، موقعیت‌ها با منزلت‌های اجتماعی متفاوت و نیز انتظارات بالا تأکید داشته است (به نقل از قهرمان، ۱۳۸۹: ۹۱). به‌طورکلی، نارضایتی‌ها هنگامی که فقط جزئی از جامعه را فراگیرد یا با مسائل خاصی مرتبط شود، جزئی خوانده شده و زمانی نارضایتی‌های اجتماعی عمومی خواهد بود که مجموع ساخت‌ها و نهادهای یک جامعه، به جهت عدم انطباق با انتظارات موجود در جهت پیشروی جامعه جدید و مترقی، موجب نابسامانی و ناخرسندی عمومی و فراگیر در

1. Berinton

2. Dorkheim

3. Merton

4. Krisberg.

جامعه گشته و وقوع دگرگونی‌های اجتماعی بسیاری را قابل پیش‌بینی سازد (ابطحی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷).

معمولاً نارضایتی‌های عمومی گسترده زمانی حادث می‌گردند که اختلالاتی، عملکرد به‌هنگار و معمول حیات اجتماعی را به‌خطر اندازد. این نارضایتی‌ها عموماً نشان از آن دارند که جامعه در سازمان‌یابی و تأمین و حفظ نظم دچار ضعف بوده و استعداد توان درونی خود را برای حل مسائل مرتبط با تطور جامعه از دست داده است (احمدوند و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۴).

نارضایتی‌های اجتماعی که بیان دیگری از ناامنی‌های اجتماعی و بحران‌های خرد اجتماعی تلقی می‌شوند، حکایت از تضييع بخشی از حقوق اجتماعی و مدنی شهروندان دارند؛ بنابراین، نارضایتی اجتماعی، وضعیت ذهنی، ادراک شده و برداشت ناخرسندانه کلی گروهی از شهروندان از شرایط زیست فردی و اجتماعی است که در آن، فرد نسبت به ارزش‌ها، هنجارها و شرایط اجتماعی حاکم بر وجوه مختلف جامعه ابراز ناخرسندی کرده، خود را ناتوان از تحقق امیال و آرزوهای فردی دیده و ملاحظه شکاف میان اهداف و آرزوها با واقعیت‌های عینی جامعه، آنان را مستعد انجام رفتارها و کنش‌های جمعی می‌گرداند که در شرایطی خاص بروز آن‌ها، موجب نقض آشکار هنجارها و ارزش‌های اجتماعی گردیده و با منابع حکومتی در تضاد است.

همچنین، تفاوت‌هایی میان نارضایتی‌های اجتماعی و بحران‌ها وجود دارد؛ به بیانی، نارضایتی‌های اجتماعی مقدمه شکل‌گیری و بروز بحران‌های اجتماعی بوده و میان این دو مقوله پیوستاری از شکل‌گیری دغدغه‌ها، مسائل (نارضایتی‌های فردی)، مشکلات (نارضایتی‌های اجتماعی و عمومیت یافته)، معضل‌ها، بحران‌ها و فجایع وجود دارد. در عین حال، بحران‌ها توصیف‌کننده شرایطی هستند که در آن ریشه‌های پدیده می‌تواند مسائل و مشکلاتی مانند ساختارها و عملیات مدیریتی نامناسب یا شکست در تطابق با یک تغییر باشد. بحران‌ها نوعی از هم‌گسیختگی شدید در فعالیت‌های یک جامعه هستند که در این فرایند، انسان‌ها اقلام و دارایی‌ها و محیط، در سطح وسیع دچار آسیب و صدمات شدید می‌شوند؛ به‌طوری‌که جامعه فقط قادر است از منابع موجود خود کمک بگیرد. بحران‌های اجتماعی که بیان دیگری از ناامنی‌های کلان اجتماعی تلقی می‌شوند،

برآمدهایی هستند از تضييع قسمتی از حقوق اجتماعی مدنی بخشی از افراد جامعه که بی‌توجهی به آن‌ها، بسترهای اختلالات کلان‌تر در هنجارها، بینش‌ها، ارزش‌ها و روابط اجتماعی را سبب گردیده است (حسینی‌زاده آرانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۳۷).

امروز مهم‌ترین شیوه دشمن، جعل و دروغ‌پردازی است. الان مهم‌ترین کاری که دشمن دارد می‌کند [انتشار] دروغ است (بیانات در دیدار بسیجیان ۱۴۰۱/۰۹/۰۵) عمده تاکتیک هم دروغ‌پردازی و شایعه‌سازی است؛ این کارها را می‌کنند برای اینکه بتوانند اختلاف ایجاد کنند، تسلط بر مغزه. (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش، ۱۴۰۱/۱۱/۱۹).

در ذهن مردم به تدریج و تحت عوامل مختلف، تحت تأثیر گزاره‌های غلطی است که بر اذهان مردم حاکم است. ذهن مردم به تدریج و تحت عوامل مختلف، تحت تأثیر گزاره‌های غلطی قرار می‌گیرد. حالا مثلاً در انقلاب ما یکی از گزاره‌های غلط که می‌شود مثال زد، مسئله «نمی‌توانیم» بود. (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۴۰۱/۰۹/۱۵).

بعضی از خواص، حالا ناشی از دلسوزی - دلشان سوخت - بدون تحقیق اطلاعیه دادند، بیانیه دادند، حرف زدند، اظهاراتی کردند - البته تحقیق نکرده - بعضی‌هایشان سازمان انتظامی کشور را متهم کردند، پلیس را متهم کردند، بعضی‌شان مجموعه نظام را متهم کردند؛ هرکسی یک جویری یک حرکتی کرد (بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح، ۱۴۰۱/۰۷/۱۱).

باتوجه به اینکه ادبیات تحقیق جوابگوی سؤالات تحقیق نبود (جواب سؤالات را پوشش نمی‌داد) با بهره‌گیری از چارچوب نظری و مفهومی که از ادبیات تحقیق به دست آمد با خبرگان مصاحبه انجام شد. متن برخی از مصاحبه‌ها به شرح ذیل است:

متن شرح مصاحبه ۱

پاسخ سؤال شماره ۱: گرفتار شدن خواص در گرداب‌هایی مانند مارپیچ سکوت در مواجهه با اخبار رسانه‌ای.

پاسخ سؤال شماره ۲: گرفتار شدن خواص در گرداب‌هایی مانند مارپیچ سکوت در مواجهه با اخبار رسانه‌ای.

پاسخ سؤال شماره ۳: نداشتن روایت اول و عقب ماندن خواص از رقابت رسانه‌ای، به دلیل نداشتن روایت اول رقبا را در پمپاژ و انتشار اخبار جعلی و شایعات پیروز میدان نمود.

پاسخ سؤال شماره ۴: ترس از دشمن و دست‌کم گرفتن جبهه خودی در اظهارات خواص نیز از دیگر رفتارهایی بود که به دمیده شدن بر آتش زیر خاکستر اغتشاشات کمک کرد.

پاسخ سؤال شماره ۵: رفتار رسانه‌ای برخی خواص نشان از پایین بودن سواد رسانه حتی در خواص بوده؛ چراکه در صورت اشرافیت به راهبردها و تکنیک‌های گردانندگان رسانه‌ها نبایستی جوگیر شده و از محتواهای غیرواقعی آن‌ها تأثیرپذیری داشته باشند.

پاسخ سؤال شماره ۶: کم‌توجهی و حتی بی‌توجهی برخی از خواص به فرمان جهاد تبیین حضرت آقا؛ به‌ویژه در بستر رسانه و کوتاهی خواص به وظایف انقلابی و انسانی خود در تنویر افکار عمومی و بیان حقایق و محکومیت توطئه دشمن کوتاهی نمودند.

پاسخ سؤال شماره ۷: دنیاطلبی و فاصله‌گرفتن از اعتقادات راستین در انتشار محتوای رسانه‌ای آنان.

پاسخ سؤال شماره ۸: اظهارنظرهای غیرتخصصی و غیرکارشناسانه و از روی احساسات خواص در رسانه‌ها باعث تمرکز رسانه بر موضوع فوت مهسا امینی و دامن زدن بیشتر به بحران ایجاد شده گردید.

پاسخ سؤال شماره ۹: کنشگری منفعلانه در رسانه در مواجهه با اغتشاشات.

متن شرح مصاحبه ۲

پاسخ سؤال شماره ۱: فعالیت‌های رسانه‌ای در جهت معرفی گذشته؛ برای مثال موفقیت پهلوی را پررنگ‌تر و کاستی‌های آن زمان را بیان نمی‌کنند.

پاسخ سؤال شماره ۲: فعالیت رسانه‌ای در جهت تصویرسازی آینده؛ ترس آفرینی از آینده، تحریم‌هایی که در آینده رخ می‌دهد، ابهام‌آفرینی و پیش‌بینی اینکه مسیر خوبی در آینده پیش رو نخواهد بود.

پاسخ سؤال شماره ۳: نداشتن روایت اول و عقب ماندن خواص از رقابت رسانه‌ای. به دلیل نداشتن روایت اول رقبا را در پمپاژ و انتشار اخبار جعلی و شایعات پیروز میدان نمود.

پاسخ سؤال شماره ۴: ترس از دشمن و دست‌کم گرفتن جبهه خودی در اظهارات خواص نیز از دیگر رفتارهایی بود که به دمیده شدن بر آتش زیر خاکستر اغتشاشات کمک کرد.

پاسخ سؤال شماره ۵: رفتار رسانه‌ای برخی خواص نشان از پایین بودن سواد رسانه حتی در خواص بوده چراکه در صورت اشرافیت به راهبردها و تکنیک‌های گردانندگان رسانه‌ها نبایستی جوگیر شده و از محتواهای غیرواقعی آن‌ها تأثیرپذیری داشته باشند.

پاسخ سؤال شماره ۶: کم‌توجهی و حتی بی‌توجهی برخی از خواص به فرمان جهاد تبیین حضرت آقا به‌ویژه در بستر رسانه و کوتاهی خواص به وظایف انقلابی و انسانی خود در تنویر افکار عمومی و بیان حقایق و محکومیت توطئه دشمن کوتاهی نمودند.

پاسخ سؤال شماره ۷: دنیاطلبی و فاصله‌گرفتن از اعتقادات راستین در انتشار محتوای رسانه‌ای آنان

پاسخ سؤال شماره ۸: اظهارنظرهای غیرتخصصی و غیرکارشناسانه و از روی احساسات خواص در رسانه‌ها باعث تمرکز رسانه بر موضوع فوت مهسا امینی و دامن زدن بیشتر به بحران ایجادشده گردید.

پاسخ سؤال شماره ۹: کنشگری منفعلانه در رسانه در مواجهه با اغتشاشات

روش تحقیق

پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد کیفی - روش تحلیل محتوای کیفی به انجام رسیده است. با توجه به اهداف پژوهش علاوه بر استفاده از روش کتابخانه‌ای جهت تدوین مبانی نظری پژوهش، از ابزارهای مصاحبه و پرسش‌نامه استفاده شده است. بدین معنی که پرسش‌نامه‌ای حاوی سؤالات مرتبط با متغیرهای پژوهش تهیه و بین کارشناسان، صاحب‌نظران و متخصصان توزیع شده است. قابلیت اطمینان و اعتبار پرسش‌نامه (پایایی و روایی ابزار اندازه‌گیری) از طریق آزمون‌های آماری انجام پذیرفته و اطلاعات به‌دست‌آمده مورد بررسی و نتیجه‌گیری قرار گرفته است.

در مصاحبه‌های مدنظر از ۴۰ نفر صاحب‌نظر در حوزه بحران و رسانه بهره برد و همچنین با در نظر گرفتن متغیر وابسته، سعی شده از نظر متخصصان امور امنیتی در سازمان‌های امنیتی و انتظامی و همچنین مسئولین متخصصان و کارشناسان رسانه و جامعه‌شناسی

دانشگاه‌های شهر تهران بهره ببریم تا بتوانیم به صورت جامع به اهداف و سؤالات مدنظر برسیم.

مصاحبه‌ها جهت شاخص‌گزینی به صورت تخصصی استفاده و به منظور تجزیه و تحلیل شاخص‌های به دست آمده از مصاحبه، با استفاده نرم افزار maxqda 2020 کدگذاری باز، کدگذاری شده و با روش تحلیل محتوای استقرایی، تحلیل محتوا انجام شده است.

تجزیه و تحلیل نتایج

تمامی مصاحبه‌های انجام شده به صورت کدباز و سپس کدگذاری محوری در جدول زیر کدگذاری شده است:

جدول ۱-۱- تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان در خصوص سؤال یک

تعداد کدها	کدگذاری باز	کدگذاری محوری
۱	اظهار نظر بر اساس منافع فردی	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت نزولی
۲	ایجاد پر خاشگری	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت نزولی
۳	حمایت رسانه‌های غربی و عبری	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت نزولی
۴	کنشگری منفعلانه در رسانه	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت نزولی
۵	اظهار نظرهای غیر تخصصی	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت نزولی
۶	تغییر نسبی ارزش‌ها	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت نزولی
۷	تضعیف سرمایه‌های ملی	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت نزولی
۸	همسو نبودن نگرش برخی از خواص با جامعه	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت نزولی
۹	ظالم و ناکارآمد نشان دادن نظام حاکم	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت نزولی
۱۰	برجسته سازی نقاط ضعف نظام	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت نزولی

تعداد کدها	کدگذاری باز	کدگذاری محوری
۱۱	روایت ناامیدانه از رویدادها	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت نزولی (+) (+)
۱۲	نخواندن سرود ملی	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت نزولی
۱۳	مقایسه جهت‌دار ایران امروزی با حکومت‌های گذشته	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت نزولی
۱۴	کوچک‌انگاری مسئله اجتماعی	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت نزولی
۱۵	ناراضی‌نیت	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت نزولی
۱۶	مخالفت برخی خواص با اصل نظام	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت نزولی
۱۷	سکوت در مواجهه با اخبار	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت نزولی
۱۸	القای تصویر وارونه به کاربران	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت نزولی
۱۹	قطع همکاری‌های هنری	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت نزولی
۲۰	پیام همبستگی با معترضین	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت نزولی
۲۱	تناقض در شعار و عمل	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت نزولی
۲۲	تحقیر ظرفیت‌های ملی	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت نزولی

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان در خصوص سؤال دو

در ابتدا و به عنوان گام اول تمامی مصاحبه‌های انجام شده به صورت کدباز و سپس کدگذاری محوری در جدول زیر کدگذاری شده است:

جدول ۱-۲- تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان در خصوص سؤال دو

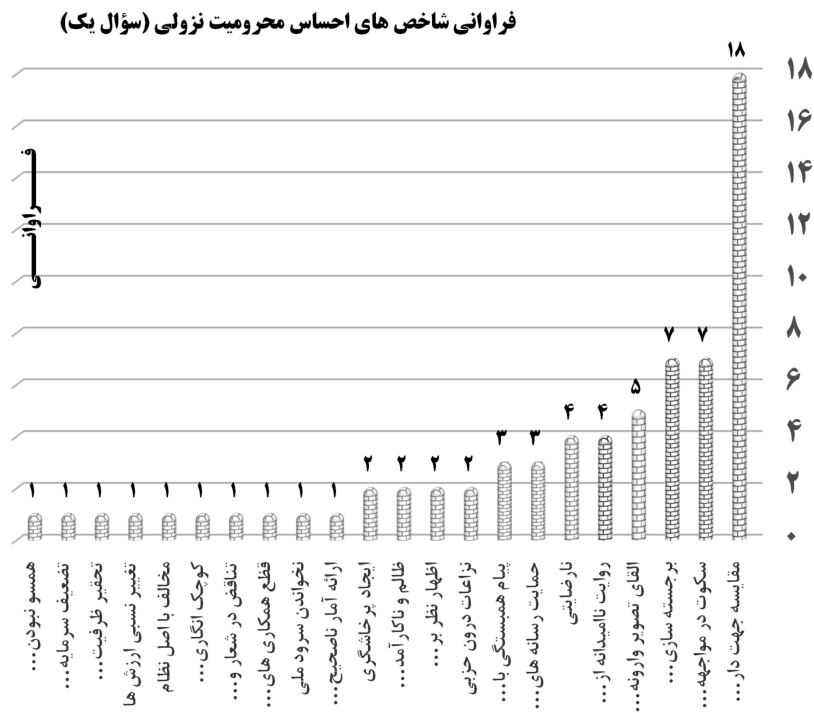
تعداد کدها	کدگذاری باز	کدگذاری محوری
۱.	تردید و تعلل	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت آرزویی
۲.	عدم عمل به وعده‌ها	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت آرزویی
۳.	مقایسه دنیای حقیقی و مجازی	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت آرزویی
۴.	مقایسه پوشش زنان با سایر کشورهای جریان مقاومت	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت آرزویی
۵.	اخبار ضدونقیض توسط مسئولین	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت آرزویی
۶.	القای ناکارآمدی نظام	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت آرزویی
۷.	القای ناامیدی	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت آرزویی
۸.	افزایش انتظارات مردم	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت آرزویی
۹.	سکوت	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت آرزویی
۱۰.	ترس آفرینی از آینده	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت آرزویی
۱۱.	ابهام آفرینی	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت آرزویی
۱۲.	دامن زدن به اغتشاشات	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت آرزویی
۱۳.	مقایسه رفاه ایران با سایر کشورها	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت آرزویی
۱۴.	منفعل بودن برخی خواص	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت آرزویی
۱۵.	نارضایتی مردم	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت آرزویی

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان در خصوص سؤال سه
در ابتدا و به عنوان گام اول تمامی مصاحبه‌های انجام شده به صورت کدباز و سپس کدگذاری محوری در جدول زیر کدگذاری شده است:

جدول ۳-۱- تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان در خصوص سؤال سه

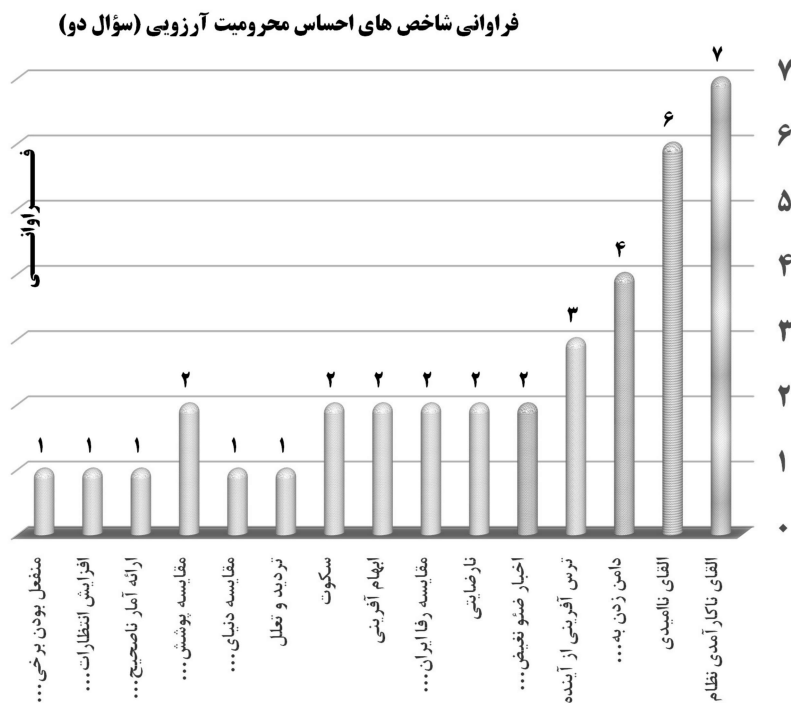
تعداد کدها	کدگذاری باز	کدگذاری محوری
۱	تولید محتوا	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت پیش‌رونده
۲	دروغ‌گویی	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت پیش‌رونده
۳	اشباع و انتشار اندیشه‌ها	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت پیش‌رونده
۴	تکرار و باز نشر وقایع بد	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت پیش‌رونده
۵	ایجاد تفرقه و تضاد	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت پیش‌رونده
۶	تصمیمات اشتباه در نظام حکمرانی	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت پیش‌رونده
۷	تخریب‌های سایبری و رسانه‌ای رقیب	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت پیش‌رونده
۸	عقب ماندن خواص از رقابت رسانه‌ای	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت پیش‌رونده
۹	عدم موضع‌گیری شفاف	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت پیش‌رونده
۱۰	عدم دفاع از نظام	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت پیش‌رونده
۱۱	القای پیروزی کاذب سراسری	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت پیش‌رونده
۱۲	تحریک	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت پیش‌رونده
۱۳	القای شعار همبستگی	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت پیش‌رونده

تعداد کدها	کدگذاری باز	کدگذاری محوری
۱۴	افزایش شدید انتظارات	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت پیش‌رونده
۱۵	نداشتن راهبرد و عملکرد ضعیف کارگزاران	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت پیش‌رونده
۱۶	سوگیری‌های شناختی	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت پیش‌رونده
۱۷	پایین بودن سواد رسانه	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت پیش‌رونده
۱۸	نداشتن روایت اول	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت پیش‌رونده
۱۹	اهریمن‌سازی	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت پیش‌رونده
۲۰	القای ناکارآمدی	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت پیش‌رونده
۲۱	عدم بصیرت‌افزایی حمایت از اغتشاشگران	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت پیش‌رونده
۲۲	بزرگ‌نمایی سرفصل‌های امنیتی	رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی، محرومیت نسبی، احساس محرومیت پیش‌رونده



نمودار ۱-۱- فراوانی شاخص‌های احساس محرومیت نزولی

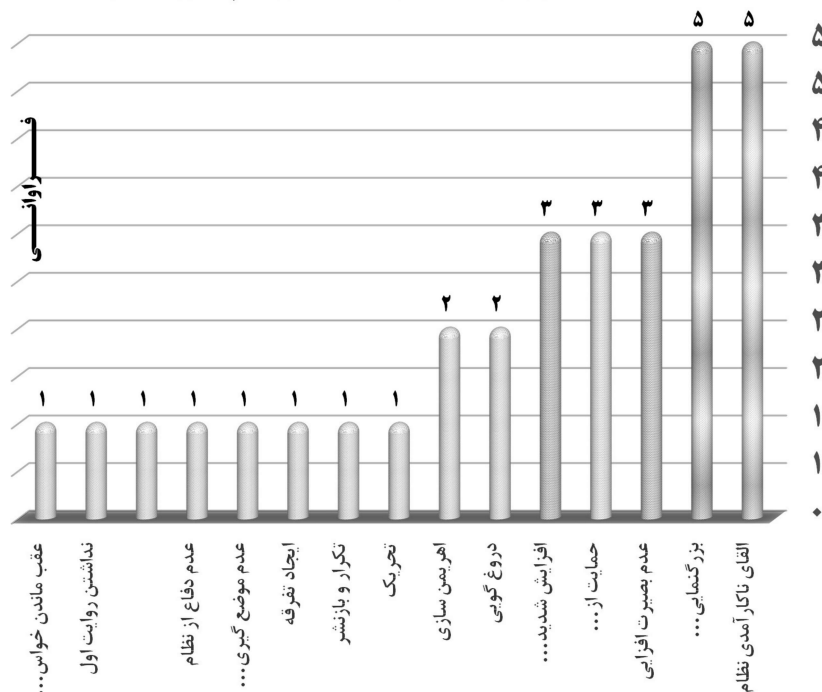
نتایج حاصله از تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق ابزارهای مصاحبه با صاحب‌نظران رفتار رسانه‌ای خواص در ایجاد احساس محرومیت آرزویی مبین آن است که در ۱۵ مقوله به شرح نمودار ۲-۵ تأثیر داشته است.



نمودار ۱-۲- فراوانی شاخص‌های احساس محرومیت آرزویی

نتایج حاصله از تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق ابزارهای مصاحبه با صاحب‌نظران راجع به رفتار رسانه‌ای خواص در ایجاد احساس محرومیت پیش‌رونده مبین آن است که در ۱۵ مقوله به شرح نمودار ۲-۵ تأثیر داشته است.

فراوانی شاخص‌های احساس محرومیت پیش‌رونده (سؤال ۳)



نمودار ۳-۱- فراوانی شاخص‌های احساس محرومیت پیش‌رونده

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران در طول چند دهه اخیر، مورد حمله‌های متنوع، اعم از اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، رسانه‌ای و تهدیدات نظامی، از سوی نظام سلطه قرار گرفته است. گاهی این حمله‌ها در قالب اعتراضات و اجتماعات عمومی ظهور پیدا می‌کنند. به تعبیر رهبر معظم انقلاب، دشمنان در حرکتی انفعالی ناشیانه و ابلهانه، اقدام به طراحی اغتشاش‌های پراکنده جهت مقابله و سنگ‌اندازی در برابر پیشرفت ما و حرکت‌های ابتکاری ملت ایران نمایند.

در بحث بحران‌های سیاسی و امنیتی، شناسایی عوامل بروز و تشدید بحران‌ها بسیار حائز اهمیت است. یکی از عوامل تشدید بحران در اغتشاشات اخیر نقش و نوع کنش و

مواجهه نخبگان و افراد سرشناس بود. در سال‌های اخیر و با گسترش ارتباطات جهانی از طریق رسانه و شبکه‌های اجتماعی نوع مدیریت و سازمان‌دهی بحران‌ها توسط عوامل آن تغییر نموده و رسانه‌ها در اغتشاشات و بحران‌ها نقش بسزایی را ایفا می‌کنند.

همچنین در حوزه‌های مطالعاتی رشته‌هایی مثل علوم سیاسی بحث رضایت دارای جایگاه ویژه‌ای است. به نحوی که می‌توان تمام تلاش‌های فرهنگی و تمدنی در جهت ایجاد بسترها، توانمندی‌ها و امکانات ضروری برای ارتقای زندگی و رضایت شهروندان دانست، هرچند توجه به این حوزه در دنیای معاصر با شرایط و ناکارآمدی سیاست‌ها، نابرابری و نارضایتی در جامعه را افزایش داده است. به طور کلی، رضایت امری نسبی بوده و اگرچه تا حد زیادی به شرایط فردی بستگی دارد؛ اما تأثیر عوامل اجتماعی در بروز کاهش آن بسیار نقش بسزایی دارد. به عبارتی دیگر هر فرد با بررسی شرایط خود در اجتماع می‌تواند وضعیت خود را ارزیابی کند و چنانچه این ارزیابی به نتایج منفی بینجامد، این احساس منفی در خود فرد محدود نخواهد ماند و در شرایط و بحران‌های اجتماعی بر اجتماع نیز تأثیر خواهد گذاشت. در جامعه معاصر اصطلاحاتی مانند اغتشاش، ناآرامی، شورش، اعتراض و... نماد نارضایتی شهروندان در بعد اجتماعی هست.

در این پژوهش سعی بر این شده است که با توجه به دلایل بروز نارضایتی‌ها در قالب نظریات محرومیت نسبی به نقش رفتار رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی (اغتشاشات ۱۴۰۱) پرداخته شود.

پس از تدوین ادبیات جامع و به واسطه عدم رسیدن کامل به پاسخ سؤالات تحقیق، تحقیقات محققان به وسیله مصاحبه با صاحب نظران گسترش پیدا نموده است. در ادامه، محققان فرضیات تحقیق را با استفاده از شیوه‌های تحلیل کیفی اطلاعات و نرم افزار مکس کیودا در بوته آزمایش گذاشته و نتایج حاصله را تجزیه و تحلیل نموده تا در نهایت برای سؤالات تحقیق پاسخ مناسب را ارائه نماید.

نتایج حاصله مبین این مطلب است که رفتارهای رسانه‌ای خواص در تشدید بحران‌های امنیتی با ایجاد محرومیت آرزویی، نزولی و پیش‌رونده نقش داشته است.

مهم‌ترین شاخص‌های تأثیرگذار رفتار رسانه‌ای نخبگان در بحث محرومیت نزولی (داشته‌های گذشته) مقایسه جهت‌دار ایران امروزی با حکومت‌های گذشته و

برجسته‌سازی نقاط ضعف نظام و سکوت در مواجهه با اخبار است. مهم‌ترین شاخص در ایجاد احساس محرومیت آرزویی (ابزار نیل به توقعات جدید)، القای ناکارآمدی نظام و القای ناامیدی. در ایجاد احساس محرومیت پیش‌رونده (انتظارات استمرار بهبود) القای ناکارآمدی و بزرگ‌نمایی سرفصل‌های امنیتی، افزایش شدید انتظارات، عدم بصیرت‌افزایی و حمایت از اغتشاشگران است.

پیشنهاده‌ها

(۱) در شناخت عوامل محیطی تأثیرگذار در بحران و ارائه راهکار و راهبردهای امنیتی استفاده از نخبگان می‌تواند در پیشبرد اهداف مؤثر واقع شود. از آنجایی که از انقلاب تاکنون فرهنگ و اخلاق سیاسی در بین نخبگان فکری، اجرایی، سیاسی و... نشان‌دهنده تأثیرات آن در توسعه نیافتگی جمهوری اسلامی داشته‌اند. لازم است آشنایی نخبگان سیاسی با فرهنگ سیاسی و ارکان هویت ملی صورت گیرد تا فرصت‌ها و تهدیدها را در مواقع بحرانی تشخیص و اوضاع را در جهت بهبود اوضاع جمهوری اسلامی ایران تغییر دهند. اگر نخبگان به ویژگی‌های مذکور دست یابند، بنیان حکومت استوار و بسیاری از تهدیدات داخلی که منجر به بحران امنیتی می‌شود از بین خواهد رفت.

(۲) مدیریت بحران‌های امنیتی با توجه به وابستگی آن با رسانه بدون توجه به زیرساخت‌های امنیتی و قوانین امنیتی در فضای سایبری ممکن نیست. باید هر کس حد و حدود خود را در فضای مجازی بداند و با قوانین آشنا باشد. تا مدیریت افکار عمومی در مواقع حساس به دست یک عده کنترل نشود.

(۳) بالا بردن درک و تحلیل سیاسی مردم از طریق برنامه‌های مناسب صداوسیما

(۴) برای خنثی نمودن القای ناکارآمدی مسئولان و ضعف حکومت و بی‌اعتمادی مردم به نظام با آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی نقاط قوت و پیشرفت کشور از طریق فعالیت‌های رسانه‌ها از طریق محتوای رسانه مناسب.

منابع

- ابطحی، سید حسین؛ یاوری بافقی، امیرحسین و اسماعیلی، احمدرضا (۱۳۹۰)، **طراحی مدل پیش‌نگری بحران‌های اجتماعی به‌منظور پیشگیری از آن‌ها توسط ناجا**، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، دوره ۴، شماره ۴: صص ۱-۳۳.
- احمدوند، علی محمد؛ اشراق، حمیدرضا و کریمی خوزانی، علی (۱۳۹۷)، **مدیریت بحران‌های اجتماعی (اعتصاب، تظاهرات اعتراض‌آمیز و...) با رویکرد پلیس جامعه‌محور**، توسعه سازمانی پلیس، شماره ۴۰، صص ۱۲۸-۱۱۳.
- احمدی طباطبایی، سید محمدرضا؛ اسدی، مهدی (۱۳۹۶)، **بررسی تأثیر عملکرد نخبگان سیاسی بر فرآیند پیشرفت سیاسی جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۰.
- اسکندری، علی (۱۳۷۹)، **ماهنامه همراه، عوام و خواص از دیدگاه نهج‌البلاغه**، <https://farsi.9912=id?khamenei.ir/others-article>
- اسملسر، نیل (۱۳۸۰)، **تئوری رفتار جمعی**، ترجمه رضا دژاکام، تهران، مؤسسه یافته‌های نوین.
- الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۰)، **تحلیل روان‌شناختی رفتارهای جمعی اعتراض‌آمیز، سمینار داخلی**، تهران، دانشگاه امام حسین (ع).
- الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۸)، **مدیریت بحران**، انتشارات معاونت آموزش ناجا- اداره کل متون درسی.
- بریتون، کرین (۱۳۹۷)، **کالبدشکافی چهار انقلاب**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر نو.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، **مدیریت بحران: نقدی بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران**، تهران، نشر فرهنگ گفتمان.
- **توسعه فرهنگ رسانه‌ای برای مقابله با تهدیدات جنگ نرم**
- توکلی، یعقوب؛ خانی آرانی، الهه (۱۳۹۲)، **جامعه‌شناسی خواص و نخبگان سیاسی در جمهوری اسلامی**، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال ۲، شماره ۷، صص ۱۴۰-۱۲۵.
- جانسون، چالمرز (۱۳۶۳)، **تحول انقلابی**، ترجمه حمید الیاسی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- حسین‌زاده، محمد صالح؛ بیات، بهرام (۱۳۹۸)، **تحلیل جامعه‌شناختی نقش امنیتی نخبگان سیاسی (قدرت) در ارتقاء امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۵۹، صص ۱-۴۵.
- حسینی‌زاده آرانی، سید سعید؛ مرادی، عبدالله؛ وثوقی اصل، اصغر؛ مهتری آرانی، محمد (۱۴۰۰)، **تحلیلی بر ریشه‌های اجتماعی شکل‌گیری و بروز نارضایتی‌های اجتماعی در ایران (مورد مطالعه: شهروندان ایرانی)**، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۴۰۱، مقاله هشتم.
- حسینی، حسین؛ مقدم‌فر، حمیدرضا و قنبرپور، مصطفی (۱۳۹۳)، **واکاوی نقش و کارکرد شبکه‌های اجتماعی مجازی در حوادث انتخابات سال ۱۳۸۸ جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه آفاق امنیت، سال هفتم، شماره ۲۴.
- حسینی، سید حسین (۱۳۸۵)، **بحران و چگونگی تعریف می‌شود**، فصلنامه مدیریت بحران، شماره ۳ و ۴، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).

- حسینی، سیده صدیقه (۱۳۹۲)، اهداف فرهنگی در جنگ نرم رسانه‌ای (رسانه ملی و الگوها)، قم: صداوسیما ج.ا. ایران، مرکز پژوهش‌های اسلامی.
- خان‌محمدی، سهراب؛ معمارزاده، غلامرضا و وفادار، حسین (۱۳۸۹)، تبیین ابعاد و مؤلفه‌های بحران انتظامی، فصلنامه مدیریت انتظامی، دوره ۵، شماره ۱.
- دلیو پای، لوسین و همکاران (۱۳۸۰)، بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، مترجم غلامرضا خواجه سروری، تهران، نشر مطالعات راهبردی.
- درخشه، جلال و هراتی، محمدجواد (۱۳۹۲)، مطالعه تطبیقی تأثیر نارضایتی انقلابی بر نظام‌سازی آینده انقلاب در ایران و مصر، دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانش سیاسی، دوره ۹، شماره ۱: صص ۵-۱۸.
- رجب‌زاده، احمد و طالبان، محمدرضا (۱۳۸۶)، تبیین جامعه‌شناسی بی‌ثباتی سیاسی (مطالعه‌ای بین‌کشوری)، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دوره ۱۵، شماره ۵۷-۵۶: صص ۵۳-۹۹.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸)، آنومی یا آشفتگی اجتماعی (پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران)، تهران: سروش.
- ژورنال بازار و سرمایه، اقتصاد، (۱۴۰۱)، بحران اعتماد: اعتراضات و ناآرامی‌های اخیر ریشه در کدام مسائل اجتماعی و اقتصادی دارد؟ شماره ۱۳۱ (بین‌المللی).
- سام‌دلیری، کاظم، (۱۳۸۲)، سنجش محرومیت نسبی در نظریه تدابرت‌گر، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۲، شماره ۲۲، صفحات ۸۲۶-۸۱۳.
- ساوه‌درودی، مصطفی (۱۳۹۵)، بحران و موضوعات آن، تهران، قلم.
- (۱۴۰۰)، هندسه امنیت در مدیریت بحران (با تأکید بر محیط امنیتی ج.ا.ا)، دانشکده علوم و فنون فارابی.
- سردارنیا، خلیل‌الله و کیانی، فائزه (۱۳۹۵)، تحلیل بحران سوریه از منظر شکاف‌های اجتماعی، دو فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۵۸-۱۱۱.
- سیف‌زاده، حسین و گلپایگانی، حسن (۱۳۸۸)، محرومیت نسبی و چرخش رأی در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۳، ۲۶۶-۲۴۷.
- شجاع مؤدب، حمیدرضا؛ حسینی تاش، سیدعلی؛ آقایی، محسن و امیری مقدم، رضا (۱۳۹۹)، ارائه مدل تحول در چرخه‌های ظهور بحران‌های سیاسی - امنیتی، متأثر از فضای سایبر، فصلنامه علمی امنیت ملی، سال دهم، شماره سی و پنجم.
- شریفی، رضا (۱۳۸۸)، بررسی ابعاد روان‌شناختی خشونت‌گرایی جمعیت اغتشاش‌گر و روش‌های تأثیرگذاری بر آن، فصلنامه مطالعات بسیج، سال دوازدهم، شماره ۴۵، صص ۴۰-۵.
- صادق‌یان، خدیجه و علمی، محمود (۱۳۹۴)، بررسی رابطه رضایت اجتماعی با مسئولیت اجتماعی دیبران دبیرستان‌های عجب‌شیر، مطالعات جامعه‌شناسی، دوره ۵، شماره ۱۹: صص ۳۸-۲۱.
- علمی، فرید و جلیلی، رضا (۱۳۹۹)، تأثیر احساس محرومیت نسبی بر گرایش برخی از ساکنان غرب کشور به داعش، شماره ۸۷، ۶۰-۳۳.

- عمید، حسن (۱۳۸۸). **فرهنگ عمید**، تهران، نشر امیرکبیر.
- فکوهی، ناصر (۱۳۷۷)، **خشونت سیاسی**، انتشارات پیام امروز، تهران.
- قائدی، محمدرضا؛ مذهب، حسین و امانی، محمدرضا (۱۴۰۰). **عوامل مؤثر در بروز بحران امنیتی در شهرهای ایران (کاربست نظریه محرومیت نسبی در تحلیل اعتراضات آبان ۱۳۹۸)**، فصلنامه علمی پژوهشی - برنامه‌ریزی شهری، سال ۱۲، شماره ۴۶، ۱۸۲-۱۶۶.
- قربانی، سیدایمان و شیر، دکتر طهمورث (۱۴۰۰). **محرومیت نسبی و ظرفیت‌سازی برای بحران اجتماعی: مطالعه موردی حوادث ۱۳۹۶**، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۵۱.
- کریمیان، علیرضا (۱۳۹۳)، **رسانه‌های جمعی، ثبات سیاسی و وقوع انقلاب اسلامی در ایران**، فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۶، ۴۴-۲۳.
- الکساندر، ایان و میدن، نیل (۱۳۹۸)، **رهنامه عملیات ضدشورش**، گروه مترجمین پژوهشکده دکترین و معماری دانا و ترازایی قدرت، انتشارات دانشگاه دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
- کیا، علی‌اصغر (۱۳۸۹)، **رسانه‌ها و ثبات سیاسی در ایران**، فصلنامه سیاست، شماره ۳۰، زمستان ۱۳۸۹.
- گر، تد رابرت (۱۳۷۷)، **چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟** ترجمه علی مرشدی زاده، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گروه وحدت فرهنگ سدید (۱۳۹۸)، **نظریه محرومیت نسبی و بحران قومی** (farhangesadid.com).
- معیدفر، سعید و ذهانی، قربانعلی (۱۳۸۴)، **بررسی میزان نارضایتی شغلی معلمان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی معلمان شهر نیشابور)**، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۶، شماره ۱: صص ۱۵۰-۱۳۵.
- یوسفی‌رامندی، رسول و محمدی، مجید (۱۴۰۱)، **تبیین عوامل مؤثر در بروز بحران‌های اجتماعی - امنیتی (مورد مطالعاتی ناآرامی آبان ۱۳۹۸)**، نشریه پژوهش‌های سیاست اسلامی، شماره ۲۲، صص ۳۶۴-۳۳۶.

